

# مدیریت تحولات ضرورت حیاتی امروز ایران اسلامی

علی‌رضا احساندوست

## اشاره:

شاید بتوان ضرورت پرداختن به مدیریت تحول را در چند بخش به طور خلاصه بیان کرد که از آن جمله است:

۱. ضرورت تبیین و ایجاد حساسیت در میان نخبگان پیرامون بحث حیاتی تحول که چندی قبل توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران طرح شد؛

۲. وقوع حرکت و تحول شگرفی که تحت عنوان « نهضت نرم افزاری» در کشورمان آغاز شده و ایران اسلامی به مدد استعدادها و ظرفیت‌های بالای خود، دروازه‌های جدید را فراروی زندگی بشری گشوده و به دنبال تحول اساسی در حیات بشر از منظر و نگاه توحیدی و مبتنی بر اسلام ناب محمد ﷺ است.

۳. سر رشته و مبنای هرگونه تحول مثبت رو به پیشرفت در کشور، ایجاد و گسترش «فرهنگ تحول منجر به پیشرفت» و نهادینه کردن تحول در جامعه و آحاد انسانی است. به بیان دیگر، در بستر فرهنگ و ساخت فرهنگی است که جامعه انسانی، تحول و دگرگونی معطوف به پیشرفت را شاهد خواهد بود.

۴. نقش فرهنگی تحول را نباید نادیده گرفت. اگر شاهد حاکمیت نظام سلطه توسط صهیونیسم و سرمایه‌داری جهانی (مدیریت شیطانی) در جهان امروز هستیم، اگر مهاجم با مدیریت و کنترل تحولات جهانی، ملت‌ها و نظام‌های مستقل را به شدت مورد هجوم قرار داده است، همه آنچه که مقام معظم رهبری تحت عنوان «ناتوی فرهنگی» به آن پرداختند، ناظر بر همین فاجعه‌ای است که سردمداران نظام سلطه به راه انداخته‌اند و بر ماست تا جهاد گونه به دنبال تأسیس، استقرار، گسترش نظامی مبتنی بر توحید، عدالت و اصالت‌ها و ارزش‌های الهی و اسلامی باشیم تا مدل و الگوی نظام اسلامی، نجات بشریت را در جای جای عالم به دنبال داشته باشد.

این نوشتار بر آن است تا با مذاقه و حساسیت نسبت به تحول و مدیریت تحول، در حوزه تبیینی و روشنگری، به رسالت تاریخی خود پیرو منویات مقام معظم رهبری بپردازد.

## تحول مطلوب کدام است؟

تحول به عنوان یک امر ذاتی در وجود انسان‌ها و در مجموعه حیات طبیعی و حتی غیر طبیعی وجود دارد و با گذر زمان و با تأثیر و تأثرات جانبی، لحظه به لحظه، تحولاتی بر موجودات عالم عارض می‌گردد که سرمنشأ آن، ذات حضرت باری تعالی است. ایمان و اعتقاد و باور به اینکه «یا محول الحول و الاحول، حول حالنا الی احسن الحال» اساس و بنیاد هرگونه تحول منجر به پیشرفت را با اراده حضرت باری تعالی و به سوی او و ساختن جامعه‌ای توحیدی و الهی با حاکم شدن ارزش‌های الهی و اسلامی، مینا و جهت‌گیری تحول مطلوب را نشان می‌دهد.

مقام معظم رهبری تحول را «راز ماندگاری و تعالی بشر» می‌دانند. در تحول مطلوب، استقرار و ترویج عدالت، اخلاق و معنویت و رشد معنوی و عواطف انسانی حاکم بر هر شاخصه مؤثر بر تحول است. در تبیین مفهوم تحول از منظر مقام معظم رهبری، کلید واژه‌ها و جمله‌های مورد نظر معظم له مطرح گردیده است:

– تحول در مقابل توقف، ایستایی و رکود است.

– تحول به معنای آناشیسیم، هرج و مرج طلبی، ساختار شکنی و شالوده‌شکنی نیست.

– رکود با ثبات اجتماعی تفاوت دارد. رکود در جامعه نامطلوب است، ولی ثبات اجتماعی و برخوردار از تحولات صحیح و سریع هم مثبت است و هم برای جامعه ما اجتناب‌ناپذیر.

– تحول مثبت و مطلوب، همراه پویایی، نشاط، نوآوری، آزاد فکری و آزاداندیشی است.

نظام مقدس جمهوری اسلامی، متکفل امر بسیار مهم تحول معطوف به آرمان‌های توحیدی و گسترش و استقرار آن در جهان است؛ حرکتی که امام بزرگوار آغاز نمود و توسط مقام معظم رهبری، مهندسی و مدیریت آن به درستی و با دقت دنبال

می‌شود. ملت ما دارای هویت مستقل با علائم و شاخصه‌های توحیدی است و عنصر اصلی فرهنگ و اعتقادات و باورهای ملت ما را اسلام شکل داده است و هرگونه تحول و اصلاح، باید در همین قلمرو و چارچوب معنا و مفهوم پیدا کند. نمی‌توان

## بر ماست تا جهاد گونه به دنبال تاسیس، استقرار، گسترش نظامی مبتنی بر توحید، عدالت و اصالت‌ها و ارزش‌های الهی و اسلامی باشیم

در جریان اختلاط و التقاط هویتی، بویژه در نظامات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در کلان جمهوری اسلامی (اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌ها و...) را پذیرفت. مطلب فوق اشاره به جریان فکری و سیاسی مدعی اصلاحات در کشور است که با نیم‌نگاهی به اسلام، مبنای هرگونه تحول را در سبب لیبرالیسم و نظام لیبرال – دمکراسی جستجو می‌کند. سرمشق‌گیری از مدیریت تحولات غربی و لیبرالی با مبنای و شاخصه‌های ویژه اسلامی، هیچ‌گاه سرسازش و همزیستی پیدا نخواهد کرد؛ ضمن اینکه همواره باید از تجربیات مثبت بشری در جریان تحول و مدیریت تحول استفاده و بهره‌برداری نمود.

**شاخص‌های تحول منجر به پیشرفت**  
درک نسخه اصلی پیشرفت که هدف تدوین و اجرای تحول صحیح و مطلوب است و همت گماشتن در دستیابی به آن، از ضروری‌ترین وظایف نظام اسلامی و آحاد مردم ایران است. همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند «هدف ایران، سربلندی ایران اسلامی و الگو شدن در میان ملت‌ها (به لحاظ مادی

و معنوی) می‌باشد». قرار گرفتن در جایگاه «الگو و مدل» برای نظام اسلامی، جهادی می‌طلبد که با حفظ استقلال و عزت ملی بتوان از تمام استعدادها و ظرفیت‌های ملی خود استفاده کرد و ضمن حاکم نمودن عدالت عمومی و اجتماعی، ملتی مرفه به لحاظ مادی، آزاد و با ایمان و کشوری آباد و پیشرفته را بنیان‌گذاری کرد.

لذا با مرور بر معیارها و شاخصه‌ها و ضمن تأکید بر آنها و درک صحیح آنها، تلاش جدی و عملی در حوزه برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری، اراده جمعی و اولویت‌بندی را طلب می‌کند.

الف) معیارها و شاخصه‌های بومی و اسلامی:

۱. عدالت طلبی، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و هرگونه غارت ثروت
۲. اقتدار علمی و ارتقای سطح سواد و آموزش
۳. رشد اخلاق و معنویت و عواطف انسانی
۴. استقلال فرهنگی و حفظ هویت ملی
۵. عزت ملی
۶. مقابله با جهل و بی‌قانونی
۷. انضباط اجتماعی و افزایش احساس مسئولیت اجتماعی
۸. افزایش ثروت ملی
۹. ارتقای علمی مدیریت‌ها

ب) معیارها و شاخصه‌های تحول در جوامع (به ظاهر پیشرفته) غربی:

۱. فرا صنعتی شدن
۲. خودکفایی در نیازهای اساسی
۳. افزایش بهره‌وری
۴. ارتقای سطح سواد
۵. ارتقای خدمات رسانی به شهروندان
۶. افزایش امید به زندگی
۷. رشد ارتباطات

**تشکیل مرکز مهندسی تحولات: اولین گام**  
تشکیل و راه‌اندازی اتاق فکر برای مهندسی تحولات در کشور با رویکرد علمی که به اصلاح و نوسازی سیستم‌ها پرداخته و فضای فعالیت در کشور را بهبود و ارتقا ببخشد، از اولویت برتر برخوردار

## تشکیل و راه‌اندازی اتاق فکر برای مهندسی تحولات در کشور با رویکرد علمی که به اصلاح و نوسازی سیستم‌ها پرداخته و فضای فعالیت در کشور را بهبود و ارتقا ببخشد، از اولویت برتر برخوردار است

است. کالبد شکافی و شناخت عمیق از فضای موجود کشور و تجربه کشورداری طی ۲۸ سال گذشته به نخبگان جامعه حکم می‌کند که با انصاف و دلسوزی به افت و خیزها، پیشرفت‌ها و متغیرها در ابعاد مختلف، نگاه‌های مدیریت در گذشته و پس از استقرار نظام اسلامی بپردازیم.

با نگاهی گذرا و اجمالی بر گذشته و در یک جمع‌بندی، به وضوح می‌توان به این نکته کلیدی و اساسی دست یافت که هرگاه و در مقام هر تصمیم‌گیری و حوزه اجرا و رفتار، بخش‌های مسئول حکومتی در نظام اسلامی، «دین» و «باور» به قدرت و کارآمدی دین در عرصه‌ها و تحولات زندگی بشر، بر تفکر و نگاهشان حاکم بوده و از هر گونه اختلاط و هرج و مرج در حوزه‌های فکری و بینشی و تأثیر آن بر مدیریت اجتناب نموده‌اند و در کنار آن، تدبیر و عقلانیت که در حقیقت در ذات دین وجود دارد نیز با بصیرت همراه با ولایت محوری مورد توجه مدیران بوده است، قطعا و در همه شرایط طعم پیشرفت، موفقیت و پیروزی را ملت ما چشیده و راه درخشان خود را با اقتدار به پیش برده است. در مقابل، هرگاه بر بخشی از تفکر مدیریتی، حاکم بودن تفکرات غیر بومی، غربی و غیر اسلامی را در جایگاه‌های قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشته‌ایم، صدمات زیادی را چه در حوزه داخلی و چه در حوزه خارجی متحمل شده‌ایم.

پالایش تفکر مدیریتی در کشور برای آن دسته از مدیران که در فضای ذهنی و عینی و خارجی، دیگر مکاتب را در دستور کار تحولات قرار می‌دهند، از حیاتی‌ترین اقدامات نظام اسلامی است. با وجود اختلاط فکری در این سطوح، هیچ‌گاه به تحول منجر به پیشرفت حقیقی، یعنی آنچه که رهبر معظم انقلاب اسلامی در نظر داشته و دارند، دست نخواهیم یافت.

ملی و آرمان‌های اساسی و اسلامی مورد توجه و عمل قرار گیرد؛ ملت ایران، پیشرفتی را که بر چنین پایه‌هایی استوار باشد، می‌خواهد و می‌پذیرد. لذا باید با حفظ ریشه‌ها و اصالت‌ها و ارج‌گذاری و مراقبت از هویت ملی و پرهیز از هرگونه شالوده‌شکنی، مدیریت تحولات و تحولات برآمده از این نحوه مدیریت مورد توجه و نگاه نظام اسلامی باشد.

در مرکز مهندسی تحولات، استراتژی‌ها و سیاست‌ها در راه دستیابی به تحولات منجر به پیشرفت حقیقی طراحی گردیده و تعامل سیستمی بین بخش‌ها و تأثیرات نقش‌ها و جایگاه‌ها ترسیم می‌گردد. این مرکز به طور مداوم و مستمر، ضمن اینکه خود در حال تحول است، بر روند تحولات جامعه با چشمی تیز و نگاهی علمی به صورت هوشمندانه نظارت کرده و همواره فعال و پویا، رصدگیر تغییرات و تحولات و غایت آنهاست. بنابر این، ضرورت تشکیل این مرکز، چه به صورت کلی و چه جزئی در بخش و نظامات و سازمان‌ها، فوری‌ترین و حیاتی‌ترین اقدام است. پس به عنوان پیش نیاز تحول منجر به پیشرفت حقیقی در نظام اسلامی و کشور، تشکیل مرکز مهندسی تحول، اولویت اول و برتری است که نظام اسلامی باید با جدیت، پیگیر راه‌اندازی و تقویت آن به عنوان یک مرکز راهبردی باشد.

### رصد تحولات، مقدمه مهندسی و مدیریت تحولات

در گام بعدی مهندسی تحولات و مدیریت تحولات در کشور، رصد کردن وضعیت موجود با یک نگاه عینیت‌گرا، ضروری

است. در مرکز مهندسی تحولات، مجموعه مباحث بینشی و فکری در حوزه تحولات با تأکید بر آزاداندیشی، آزادی فکر و باز گذاشتن راه نوآوری و همچنین طراحی فعالیت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه می‌باشد. در این مرکز، مبتنی بر مطالعات واقع‌گرایانه و علمی، سهم بخشی‌ها و تعامل آنان در روند تحولات مورد توجه است؛ هر چند سهم و جایگاه فرهنگ، جایگاه اول را به خود اختصاص می‌دهد. به عبارت دیگر در این مهندسی، جایگاه فرهنگ باید به گونه‌ای ترسیم شود که جهت اصلی و غایی هرگونه سیاست‌گذاری باشد و در کلیه حوزه‌ها در روند تحولات منجر به پیشرفت جامعه ما، جایگاه برتر به فرهنگ اختصاص یافته؛ اخلاق، آرمان‌ها و ارزش‌های دینی و هویتی، پایه و اساس کلیه نظامات جامعه ما قرار گیرد. بی‌تردید، بدون توجه به این پایه و اساس، هرگونه تلاش و تحول در کشور در روند توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و یا در حوزه فردی و اجتماعی در کوتاه مدت و یا دراز مدت محکوم به شکست خواهد بود.

آنچه مقام معظم رهبری به عنوان سکالدار و مهندس امر تحولات در نظام اسلامی

### نظام مقدس جمهوری اسلامی متکفل امر بسیار مهم تحول معطوف به آرمان‌های توحیدی و گسترش و استقرار آن در جهان است

همواره مورد تأکید قرار داده‌اند این است که معیارها و شاخص پیشرفت، زمانی در روند تحول و پیشرفت حقیقی مؤثر واقع می‌شود که براساس عناصر اصلی هویت

**تهدیدات و آسیب‌ها در روند مدیریت تحولات**

انقلاب اسلامی به عنوان تحول بنیادین توانسته است دین و رویکرد دینی را در مجموعه تحولات بشری وارد نماید. ورود نگرش دینی در لایه‌ها گوناگون جوامع و تأثیر آن بر وضعیتی که نظام سلطه به شدت از آن نگرانی دارد، زمینه مناسبی را برای مدیریت جهانی مبتنی بر اسلام فراهم آورده است. پس مسلم است دشمن در حیطه بیرونی و درونی با برنامه‌ریزی و تمهید مقدمات لازم به دنبال آسیب رساندن به انقلاب اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نکرده و نمی‌کند.

شناخت تهدیدات با تمامی ابعاد و زوایای آن از جمله رسالت‌ها و وظایف مدیران جامعه اسلامی است. مقام معظم رهبری با شناخت دقیق و به موقع از نوع آسیب‌ها و تهدیداتی که فراروی تحولات منجر به پیشرفت حقیقی متصور است و هشدار به دوستان و نظام اسلامی در برخورد آگاهانه و پیشگیرانه با نوع تهدیدات، از این زاویه نیز مانند فرماندهی تیزبین و دوراندیش. نقشه عملیاتی دشمن را افشا و راه‌های جلوگیری از هرگونه ورود آفات و تهدیدات در این عرصه استراتژیک و راهبردی را به خوبی تبیین فرموده‌اند. در این راستا، مهم‌ترین تهدیدات فراروی مدیریت تحولات را دقیقاً در تقابل با معیارهای اصلی تحول در نگاه اسلامی که مایه در فرهنگ و تفکر و بینش ما دارد به قرار زیر مطرح نمود:

وجود نگاه ناقص، تک بعدی و غیر کارآمد به دین

– بروز اختلاط فرهنگی، به نحوی که مبانی و عوارض فرهنگی غرب بر مبانی و عوارض فرهنگ اسلامی مسلط و غالب شود

– نبود حمیت و کاهش نرم‌های مؤثر در هویت ملی و استقلال فرهنگی در سطح جامعه

– وادادگی به نفع مبانی فکری غرب در جریان گذار از وضعیت متمایل به حاکمیت ارزش‌های غربی به حاکمیت ارزش‌های اسلامی – ملی

– پوچ‌گرایی و نبود اعتقاد و باور حرکت به سوی تحول بنیادین و مثبت (عدم وجود امید به تحول در حال و آینده)

– فراموش کردن هویت ملی و بنیان‌های اساسی جامعه اسلامی

– بروز حرکات تخریبی و احساسی و هرج و مرج رفتاری و سیاسی

– خروج از اصول و قواعد مدیریت تحول مثبت در چارچوب نظام اسلامی و ورود به عرصه شالوده شکنی و هنجارشکنی

– بروز بی‌ثباتی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از پرتو مدیریت تحولات ساختار شکن و نزاع مستمر در حوزه‌های فوق

– نفوذ و زمینه‌سازی برای سلطه صهیونیسم بین‌الملل و جریان سرمایه‌داری جهانی توسط سیاست‌ها و مدیران دارای التقاط فکری و سیاسی

– بروز بی‌عدالتی داخلی

– ترویج فساد اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و...

– نابود شدن عواطف و پیوندهای اصیل اجتماعی و خانوادگی

**پالایش تفکر مدیریتی در کشور  
برای آن دسته از مدیران که در  
فضای ذهنی و عینی و خارجی، دیگر  
مکاتب را در دستور کار تحولات قرار  
می‌دهند، از حیاتی‌ترین اقدامات  
نظام اسلامی است**

**سر مشق‌گیری از مدیریت  
تحولات غربی و لیبرالی با  
مبانی و شاخصه‌های ویژه اسلامی  
هیچ‌گاه سر سازش و همزیستی  
پیدا نخواهد کرد**